

سکس ستیزان و سکس ذلیلان. مسئله این است!

دکتر ابراهیم شفیعی، پژوهشگر دینی و مولف کتاب «سلامت جنسی در جامعه اسلامی» طی گفت و گوئی با «روزنامه صبح نو» پیرامون مسائل جنسی مبتلابه در ایران زیر این لوگو که «باید نیاز جنسی را به رسمیت بشناسیم» نقطه نظرات خود را مطرح کرده (*) که ضمن استقبال از توصیه ایشان (برسمیت شناختن نیاز جنسی) مایلم فرمایش آقای دکتر را بدین صورت تکمیل و ویرایش کنم که در کنار برسمیت شناختن نیاز جنسی حتماً و متقابلاً بکوشید نیازهای جنسی کاذب و ذائقه سازی های سکسی نامتعارف و مطالبات جنسی بیمارگونه و ملتهب شده در جامعه فعلی ایران را نیز از رسمیت بیاندازید!

سکسولوژیست های ایران گریزی از این واقعیت نباید داشته باشند که «تعریف درست از صورت قضیه نیمی از راه حل قضیه است» بر این اساس از این واقعیت نیز نباید غفلت کرد که برسمیت شناخته نشدن نیاز جنسی در ایران همه مشکل نیست نیمی دیگر مشکل آن است که نیازهای جنسی در ایران و بعضاً دیگر نقاط جهان از ناحیه پروپاگاندا و سرمایه گذاری سکس سالار تولیدات بصری هالیوود و خرده فرهنگ سوار بر صنعت پورنوگرافی غرب واقعیت و ماهیت و کیفیت سکس را از اندازه و قواره و استاندارد طبیعی و بهنجار خود خارج و بیرون از قاعده کرده و بدین طریق با دادن تعریف نوین از سکس و از طریق تغییر ذائقه سکسشوال در نامتعارف ترین شکل ممکن دامن زننده و ترویج کننده مطالبات جنسی زیاده خواهانه و افراط گرایانه و نامتعارفی شده اند که تامین و تحصیل آن در جوامعی مانند ایران نه تنها ممکن نیست بلکه صلاح و مناسب و مفید هم نیست.

یعنی درد امروز جامعه ایران در حوزه سکس آن است که از یک طرف مشکل متوجه رویکردهای انسدادی است که برای حل قضیه امر به سرکوب نیازهای جنسی می دهند و از سوی دیگر جامعه مواجه با تاجران «بازار سیاه سکس» شده که بمنظور رونق بازار خود با ترویج یلگی و لاقیدی و بی پروائی جنسی، آتش نیازهای جنسی را باد می زنند و بدین طریق جنس و شکل مرتفع کردن نیاز سکسی را از نورم و قاعده طبیعی اش خارج می کنند.

سکس را نه می توان سرکوب کرد و نه می توان آن را لاقیدانه رها کرد و باید این نیاز طبیعی و ذاتی را مدیریت کرد.

مدیریت اش نکنید مدیریت تان می کند! و به هر سو می کشا ندتان.

پیرو همین افراط گری و طماعی و ذائقه سازی و زیاده خواهی های جنسی در کنار سیاست ها و آمریت ها و رویکردهای انقباضی و انسدادی سکس ستیزانه اکنون ماهیت این نیاز ذاتی در ایران مبدل به وضعیتی اورژانسی و کلینیکال شده!

تبعات این دوگانگی را بوضوح در نوع حضور اجتماعی بخش بزرگی از جوانان و حتی میان سالان در سطح شهر می توان دید.

پیرو همین دوگانه افراط و تفریط دیگر نباید و نمی توان این وضعیت کلینیکال را با مفاهیمی چون بدحجابی یا شل حجابی نسوان یا اوباش گری جوانان نشانه گذاری یا معنایابی کرد.

چیزی که در ایران فعلی و از جوار وضعیت اورژانسی سکس روئیده یک «اگزیبیشیزم» زنانه در کنار یک «اسکوپوفیلیای» مردانه است. (Exhibitionism & Scopophilia)

اگزیبیشیزم بمعنای «خودنمایی جنسی» هر چند رفتاری مردانه محسوب می شود اما ظاهراً در ایران این بیماری زنانه شده و اینک زنان مزبور از پدیده بدحجابی قبل از جلوه گری و جمال فروشی، خودنمایی جنسی و تحریک آستانه شهوت در جنس مخالف را مراد می کنند هم چنان که مردان مبتلا به اسکوپوفیلیا بمعنای «تماشاگری جنسی» نیز می کوشند ناکامی های اروتیک یا به تعبیر بهتر عجز و نابلدی های خود در تحصیل و تامین سکس متعارف با جنس مخالف را از طریق نظر بازی و تماشاگری جنسی محقق و بدین ترتیب به خود ارضائی جنسی دست یابند. هر چند آمار رسمی و قابل اتکائی در دست نیست اما گستردگی استمناء و ترویج هم جنس خوابی نزد قشر بزرگی از جامعه ایرانی نمی تواند گمانه غلطی در وضعیت اورژانسی سکس در نزد این بخش از ایرانیان مزبور باشد.

داریوش سجادی

یکشنبه ۷ شهریور ۱۳۹۵